

زمان ما هم مثل همیشه رسم و رسوم ازدواج زیاد بود و تجملات
بیداد می کرد. ولی ما از همان اول ساده شروع کردیم، خریدمان يك
بلوز و دامن برای من بود و يك كت و شلوار برای
مرتضی. چیز دیگری را لازم نمی دانستیم! به حرف
و حدیث ها و رسم و رسوم هم کاری نداشتیم؛
خودمان برای زندگی مان تصمیم می گرفتیم.
همین ها بود که زندگی را زیبا تر می کرد.

